

در روزهای داغ تیر ۱۲۹۹ وزیرمختار انگلیس هرمان نورمن[۹]، از نخست‌وزیر وقت، حسن پیرنیا، چهره‌های برجسته مشروطه که آن روزگار، بیشتر به مشیرالدوله شناخته می‌شد، خواست‌تاپس از پایان غائله بلشویک‌ها در شمال ایران، به حضور مقامات روس در قزاقخانه، بویژه فرمانده آنان پایان دهد.[۱۰] او از این خواسته سر باز زد و سرانجام در سوم آبان ۱۲۹۹ به صورت رسمی به نورمن اعلام کرد که شاه مخالفت عزل استاروسلسکی است و در صورت عزل نیز باید افسر روسی دیگری جایگزین او شود. نورمن با هر دو پیشنهاد مخالفت کرد و آبرونساید نیز بر عزل استاروسلسکی پافشاری داشت، این امر سرانجام منجر به استعفای مشیرالدوله شد و نورمن نیز شاه را تهدید کرد که اگر استاروسلسکی برکنار نشود، حمایت‌های مالی انگلیس به ایران قطع خواهد شد و انگلیس نیروهای خود را از ایران خارج خواهد کرد و ایران را در برابر تهدید شوروی - که وارد بخش‌هایی از خاک شمال کشور شده بود- تنها خواهد گذارد. در این مقطع بود که نورمن پیشنهاد نصب سپهدار رشتی برای این مأموریت را مطرح کرد.[۱۱]

در شب بیست و ششم اکتبر ۱۹۲۰ (سوم آبان ۱۲۹۹)، که استعفای مشیرالدوله هنوز قطعی نشده بود، وزیرمختار انگلیس گزارشی از جریان ملاقات آن روزش با احمدشاه برای لرد کرزن فرستاد و رئیسش را از تصمیماتی که در عرض این ملاقات گرفته شده بود آگاه ساخت: «پس از اینکه شاه پیشنهاد مرا دایره به انتصاب سپهدار رشتی به جای مشیرالدوله قبول کرد، مدتی درباره ترکیب کابینه با هم تبادل نظر کردیم. لازم است این را نیز به اطلاعاتن برسانم که قبل از اینکه سپهدار را به عنوان جانشین مشیرالدوله به شاه پیشنهاد کنم، با خود این شخص (سپهدار) تماس برقرار کرده و تعهد قبلی گرفته بودم که پس از روی کار آمدن درست طبق سیاستی که من پیشنهاد خواهم کرد عمل کند.»[۱۲]

کالدول[۱۳] درباره چرایی این نصب و ویژگی‌های منصوب چنین نوشته است: «سپهدار در کابینه‌های مختلف سمت‌های مختلفی را تجربه کرد. در کابینه وثوق‌الدوله وزارت جنگ را بر عهده داشت. وی مرد خوش مشربی است، اما شخصیت ضعیفی دارد و به عبارت دیگر همواره تلاش می‌کند خود را مورد توجه افراد قدرتمند قرار دهد. ثروت هنگفت او شامل املاک و اراضی وسیعی در گیلان می‌شود و هیچ‌کس به اندازه او از حمله بلشویک‌ها و جنگلی‌ها به این استان، متحمل خسارت نشده است. بنابراین طبیعی است که او تنها کسی است که می‌تواند برای آرام کردن اوضاع و برطرف کردن خطر بیشترین تلاش را صورت دهد و همچنین انگلیسی‌ها نیز می‌توانند به همکاری او اطمینان داشته باشند. بنابراین سپهدار با اشیای هر چه تمامتر این سمت را پذیرفت و فوراً تمام افسران روسی را به بهانه اختلاس در جوه پرداختی دولت، از کار برکنار کرد. استاروسلسکی و دیگر افسران روسی می‌باید با فضااحت تهران را ترک می‌کردند و از آنجا که بیم آن می‌رفت که ژنرال به کمک مردان خود دست به اقدامی بزنند، به او التیماutom داده شد که ظرف دوساعت شهر را ترک کند. دیگر افسران روسی بتدریج تهران را به مقصد نقاط مختلفی از دنیا ترک کردند... به سختی می‌توان باور کرد که مردی چون مشیرالدوله تن به چنین عامله کثیفی بدهد و خود را مذبحخانه تسلیم قدرت کند؛ حتی اگر قبول داشت که اتهام اختلاس به افسران روسی پایه و اساسی دارد. هیچ مدرک قابل قبولی درباره این اتهام به افکار عمومی ارائه نشد. بنابراین سپهدار اعظم، به عنوان رئیس‌الوزرای جدید منصوب شد.»[۱۴]

دو روز بعد از پیشنهاد فتح‌الله خان اکبر از سوی نورمن، انگریز[۱۵] سرپرست موقت سفارتخانه آمریکا در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰ چنین گزارش می‌دهد: «روز گذشته کابینه استعفا داد و سپهدار اعظم قبول کرد که دولت جدید را تشکیل دهد... اکنون انگلستان بر عزل کلنل استاروسلسکی پافشاری می‌کند و خواستار در دست گرفتن کنترل نیروهایی است که به سختی می‌توان آن را ارتش ایران نامید... همسر این کلنل یک بارونس آلمانی است. استاروسلسکی یکی از دوستان نزدیک شاه بوده و تاکنون کسی نتوانسته که او را از سمت خود برکنار کند... رئیس‌الوزرای جدید مردی شصت ساله است که در سال ۱۹۰۳ مخترع به کسب نشان شوالیه از دولت انگلستان شده است. در سال ۱۹۱۵ وزارت عدلیه و در سال ۱۹۱۶ وزارت داخله را برعهده داشت. او در کل از حامیان و دوستان انگلستان است، اما پیش از سال ۱۹۱۷، همواره در فکر برقراری ارتباط با روس‌ها بود چرا که بخش اعظم ثروت کلان او، املاکی است که در گیلان قرار دارد. بدون شک حوادث بعدی بیش از پیش او را به سمت انگلیسی‌ها سوق داد تا از آنها بخواهد که آرامش را به منطقه بازگردانند؛ همچنین

گزارش‌ها حاکی از آن است که آبرونساید عازم رشت شده است. دیگر اعضای کابینه نیز بزودی اعلام خواهند شد. اوضاع تهران آرام است، اما شاه که از فعالیت‌های عوامل بلشویک نگران است، از سفارت انگلستان خواسته که امنیت او را تضمین کنند.»[۱۶]

نورمن نیز در گزارشی به کرزن درخصوص چگونگی تسلیم احمدشاه در برابر خواسته عزل استاروسلسکی می‌گوید: «در مصاحبه امروز، اعلی حضرت فرمودند بهتر است این موضوع با کمال صراحت به اولیای امور انگلستان در لندن تفهیم بشود که اگر ایشان (مقام سلطنت) در مقابل تقاضای من (وزیر مختار بریتانیا) تسلیم شدند و به انفصال استاروسلسکی رضایت دادند، این تسلیم شدن به هیچ وجه معلول آن تهدیدی که کرده بودم (بیرون بردن قوای نظامی بریتانیا از ایران و بازگذاشتن راه قزوین- تهران به روی بلشویک‌ها) نبوده، بلکه صرفاً از این لحاظ بوده است که می‌خواستند تمایل قلبی خود را برای توفیق سیاست بریتانیا در ایران عملاً ثابت کنند، وگرنه وجدانشان از این عمل که به توصیه ما صورت داده‌اند (عزل استاروسلسکی) ناراحت است [...] در این جا اعلی حضرت سر صحبت را به وضع آتی خود برگرداندند و اظهار داشتند که با رفتن روس‌ها از ایران تنها نقطه اتکای‌شان اکنون ما (انگلیسی‌ها) هستیم و آنگاه با لحنی التماس آمیز از من درخواست کردند که او را در مقابل بالشویک‌ها بی‌کس و تنها نگذارم. جواب دادم خود ما نیز اهمیت اقدامات اعلی حضرت را درک می‌کنیم و از این که به سخنان ما گوش داده و حاضر به برکنار کردن ژنرال روسی شده‌اند، کمال تشکر را داریم [...] و قول دادم که خطری متوجه مقام سلطنت نیست.»[۱۷]

پس از آن گزارش، انگریز در تلگرام دیگری مجدداً به تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰ می‌نویسد: «سرهنگ انگلیسی اندکی پیش به تهران آمد و به من گفت که هنگ قزاق‌های ایرانی پس از درگیری مختصری در رشت، بیست و چهارم اکتبر از این شهر عقب‌نشینی کرد... نیروهای انگلیسی مواضع نزدیک منجیل را تصرف کردند و ژنرال آبرونساید با اعتماد کامل به توانایی خود اظهار داشت چنانچه شمار نیروهای بلشویک از حد معمول تجاوز نکند، انگلیسی‌ها مطمئناً مانع پیشروی آنها به سمت قزوین و تهران خواهند شد.»[۱۸]

در همان روز، نورمن نیز با ارسال یک تلگرام به کرزن با قید «بسیار فوری» ماجرا را چنین گزارش کرد: «شاه امروز صبح به من گفت که پس از ملاقات دیروز، رئیس‌الوزرا را احضار کرده و تصمیم برکنار کردن افسر فرمانده لشکر قزاق را ابلاغ کرده است. رئیس‌الوزرا با این تصمیم مخالفت کرده و استعفای خود را تقدیم داشته است. اعلیحضرت در نظر دارد استعفای او را بپذیرد و تشکیل کابینه جدید را به سپهدار اعظم واگذار کند... من با این پیشنهاد موافقت کردم ولی گفتم بهتر است قبل از اقدام نهایی با ژنرال فرمانده نیروهای انگلستان در شمال ایران مشورت کنم. نظرم این بود که به سرهنگ استاروسلسکی اجازه داده نشود به تهران بازگردد تا به تحریک بپردازد. من معتقدم که باید او و سایر افسران روس مستقیماً از قزوین به بین‌النهرین اعزام شوند. [...] شاه ضمناً گفت که میل دارد به افسران روسی که از کار برکنار شده‌اند ماهانه مبلغی به عنوان تقاعد پرداخت شود زیرا عده‌ای از آنها فرصت نداشته‌اند مانند فرمانده‌شان برای خود پول پس‌انداز کنند. جواب دادم که این کار عاقلانه نیست بلکه برعکس باید از آنها خواست پول‌هایی را که دزدیده‌اند به خزانه دولت بازگردانند. حقیقت امر این است که شاه در دزدی‌های سرهنگ استاروسلسکی سهیم بوده و همین اواخر از او یک گردنبند مروارید به قیمت ۳۵ هزار تومان پیشکشی دریافت کرده است.»[۱۹]

با این حساب، می‌توان دریافت که مأموریت اصلی فتح‌الله خان اکبر حذف استاروسلسکی برای بسط قدرت انگلیس بود که با توجه به انقلاب فوریه، فرصت را برای برجیدن قول و قرارهای قرارداد ۱۹۰۷ در سن پترزبورگ و مکمل آن، قرارداد سری ۱۹۱۵ برای تقسیم ایران میان روسیه و انگلستان مناسب می‌دید. پس از برکناری استاروسلسکی، امور بریگاد قزاق ابتدا به‌طور موقت به یکی از افسران ارشد انگلیسی به نام اسمایت یا اسمایس[۲۰] که تحت قرارداد ۱۹۱۹ به تهران آمده بود، سپرده شد.[۲۱] اما برای کنترل افکار عمومی، در فاصله‌ای اندک قاسم خان والی مشهور به سردار همایون را به این سمت منصوب کردند. سردار همایون پیشتر هنگام تحویل نظمیه به کلنل وستداهل[۲۲] [۲۳] نشان داده بود چهره مناسبی برای دوره‌گذار است و همکاری لازم را خواهد داشت؛ درست همان

انتظاری که از سپهدار اعظم -ریاست وزرای وقت که انتصاب وی را اعلام کرد- هم می‌رفت.

انگلیس پشت پرده ماندن قدرت خود در قزاقخانه را ترجیح داد. چون از یک سو چند ماه قبل از آن، در برابر کمونیست‌ها دچار خفت شده بودند، نمی‌خواستند برای دومین بار دچار این خواری شوند. دوم اینکه آنان موظف بودند در آستانه سال ۱۳۰۰ ایران را ترک کنند و تا آن زمان نباید تحرک نظامی می‌داشتند.[۲۴] سوم اینکه انگلیس آماده پرداخت هزینه نظامی در شمال غربی ایران نبود. چهارم اینکه تحریک بلشویک‌ها برای قشون‌کشی بیشتر به ایران به نفع آنان تمام نمی‌شد. حضور مقامات انگلیسی در فرماندهی قزاقخانه، خلاف این مصلحت سنجی بود. از همه مهم‌تر آنکه در شرایطی که هنوز نفرت عمومی از مفاد افشا شده قرارداد ۱۹۱۹ وجود داشت؛ مسئولیت مستقیم نظامیان انگلیس بر فرماندهی قزاقخانه منجر به تحریک بیش از پیش میلیون‌ها آدم و تهییج افکار عمومی می‌شد.[۲۵]

■ پی‌نوشت

[۱] Vsevolod Dmitrievich Staroselsky

[۲] Alexander Fyodorovich Kerensky

[۳] Georgy Iosifovich Klerzhe

[۴] ن.ک. شجاعی کیاسری. سیدحسام‌الدین. (۱۳۹۹) «حذف استاروسلسکی و زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹»، فصلنامه «مطالعات تاریخی»، سال هجدهم، شماره ۶۸-۳۷-۶۲.

[۵] John Lawrence Caldwell

[۶] Percy Zachariah Cox

[۷] Webb Gillman

[۸]. کالدول، تلگرام شماره ۱۴ (۸۹۱۰۰۰/۱۰۳۰)، مورخ ۱ اکتبر ۱۹۱۸. به نقل از مجد. محمد قلی (۱۳۹۰). انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول. مترجم: مصطفی امیری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۴۸۵.

[۹] Herman Cameron Norman

[۱۰] کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی. ترجمه غلامرضا علی‌بابایی. تهران: خجسته. ۱۴۴.

[۱۱] آبادیان، حسین (۱۳۹۰). تاریخ سیاسی ایران معاصر، جنگ جهانی اول تا کودتا. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۶۲۷-۶۲۸ [۱۲] اسناد محرمانه، ج. ۲، سند ۲۰۷ (تلگراف مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۲۰ نورمن به لرد کرزن) به نقل از شیخ الاسلامی، ص ۵۰۰

[۱۳] گزارش‌های کالدول و انگریز که در ادامه آمده، همگی به نقل از این کتاب است: مجد. محمد قلی (۱۳۸۹). از قاجار به پهلوی بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا. محمد قلی مجد.

مترجمین: سید رضا مرزانی، مصطفی امیری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

[۱۴]. گزارش فصلی کالدول، شماره ۱۰، ۸۹۱۰۰۰/۱۱۹۵، ۱۵ ژانویه ۱۹۲۱.

[۱۵] Cornelius Van Hemert Engert

[۱۶]. تلگرام انگریز، شماره ۳۸، ۸۹۱۰۰۰/۱۱۶۲، مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰.

[۱۷] اسناد محرمانه، ج. ۲، سند ۲۰۸ (تلگراف بسیار مهم و فوری نورمن به لرد کرزن، مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰) به نقل از همان

[۱۸]. تلگرام انگریز، شماره ۳۷، ۸۹۱۰۰۰/۱۱۶۳، مورخ ۲۷ اکتبر ۱۹۲۰.

[۱۹] نیازمند. رضا (۱۳۸۷). رضا شاه از تولد تا سلطنت. تهران: حکایت قلم‌نویس. صص ۳۶۴-۳۶۵

Henry Smyth [۲۰]

[۲۱] آبرونساید. سرادموند. (۱۳۷۳). خاطرات سری آبرونساید. ترجمه بهروز قریبی. تهران: مؤسسه رسا. صص ۲۰۰-۲۰۴.

[۲۲] Johan Carl Gustaf Westdahl

[۲۳] یحیی دولت‌آبادی درباره وی گفته است: «از خواص وثوق‌الدوله و از مربوطین با انگلیسیان است.» دولت‌آبادی. یحیی (۱۳۶۲). حیات یحیی. تهران: انتشارات فردوسی، ص ۱۵۱

[۲۴] هر چند نورمن، وزیرمختار انگلیس، به احمدشاه قول داده بود پس از برکناری استاروسلسکی، نظامیان انگلیس وظیفه پاکسازی گیلان از کمونیست‌ها را به عهده می‌گیرند، اما وزارت جنگ انگلیس نورپر فورس را از هر گونه پیشروی از منجیل به رشت منع کرد.

[۲۵] بهبودی. هدایت‌الله (۱۳۹۹). رضایان تا رضایان. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۲۱۱.